

DECISION

Case No. 363

Chamber Two

DUPLICATE ORIGINAL  
نسخہ برابر اصل

74

پروندہ شماره ۳۶۳

شعبه دو

تصمیم شماره ۱۱۵-۳۶۳-۲ دی. ا. ثی. سی.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL  
دیوان داری دعاری ایران - ایالات متحدہ  
ثبت شد  
FILED  
DATE 23 APR 1993  
تاریخ ۱۳۷۲ / ۲ / ۳

امریکن اکسپرس اینترنشنال بنکینگ کورپوریشن،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران،

شرکت پلی اکریل ایران، بانک اعتبارات تعاونی توزیع (بانک ملت)،

بانک شهریار (بانک تجارت)، شرکت ایران کارتن،

شرکت اری پلاست، تهران شامر با مسفولیت محدود،

شرکت چرم رخشان، گروه سرمایه‌گذاری آذرین ایران، شرکت فیروز،

بانک ملی ایران، بانک بین‌المللی ایران و ژاپن (بانک تجارت)،

بانک صادرات ایران، بانک تهران (بانک ملت) و

بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (بانک صنعت و معدن)،

خواندگان.

\_\_\_\_\_  
تصمیم  
\_\_\_\_\_

۱ - در تاریخ ۲۸ دی ماه ۱۳۶۰ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۲]، امریکن اکسپرس اینترنشنال بنکینگ کورپوریشن ("خواهان") دادخواستی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران، و [تعدادی از] سازمانها، موسسات، تقسیمات سیاسی یا واحدهای تحت کنترل آن به شرح زیر: شرکت پلی اکریل ایران، بانک اعتبارات تعاونی توزیع (بانک ملت)، بانک شهریار (بانک تجارت)، شرکت ایران کارتن، شرکت اری پلاست، تهران شامر با مسئولیت محدود، شرکت چرم رخشان، گروه سرمایه‌گذاری آذرین ایران، شرکت فیروزه بانک ملی ایران، بانک بین‌المللی ایران و ژاپن (بانک تجارت)، بانک صادرات ایران، بانک تهران (بانک ملت) و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (بانک صنعت)، ("خواندگان") برای وصول بدهیهای ناشی از وامها و سایر معاملات بانکی بین خواهان و خواندگان، به ثبت رساند.

۲ - پیرو درخواست مشترک طرفین، دیوان طی دستور مورخ سوم اسفندماه ۱۳۶۲ [۲۲ فوریه ۱۹۸۴] خود، به جریان رسیدگی پرونده حاضر تا آنجا که به ادعاهای شماره ۱ الی ۴ و ۶ الی ۱۵ دادخواست مربوط بود، خاتمه داد. در نتیجه، تنها ادعاهای شماره ۵ و ۱۶ مورد اختلاف باقی ماند. متعاقباً در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۴] دیوان دادرسی پرونده حاضر را تا اطلاع ثانوی متوقف ساخت.

۳ - در تاریخ دوم مردادماه ۱۳۶۳ [۲۴ ژوئیه ۱۹۸۴] طرفین درخواست مشترکی جهت ختم ادعای شماره ۵ در پرونده حاضر به ثبت رساندند. دیوان طی دستور مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۶۳ [۱۳ اوت ۱۹۸۴] ادعای شماره ۵ را وفق درخواست طرفین، مختومه نمود.

۴ - در تاریخ ششم آذرماه ۱۳۶۴ [۲۷ نوامبر ۱۹۸۵] پرونده دیگری به شماره ۶۸۱ راجع به ادعای مطروح توسط بانک مرکزی علیه خواهان در رابطه با سپرده‌هایی که خواهان به نام بانک مرکزی نگهداری می‌کرد، متعاقب تصمیم هیئت عمومی دیوان

در پرونده شماره الف - ۱۷، یعنی تصمیم شماره دی ئی سی ۳۷ - الف ۱۷ - اف تی مورخ ۲۸ خردادماه ۱۳۶۴ [۱۸ ژوئن ۱۹۸۵]، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 189 توسط دیوان مختومه گردید. دیوان ضمن ختم رسیدگی به پرونده شماره ۶۸۱، توجه بانک مرکزی را به بند ۲ دستور مورخ دوم مردادماه ۱۳۶۴ [۲۴ ژوئیه ۱۹۸۵] خود جلب کرد که در آن به طرفین یادآوری شده بود که در صورتی که ادعای بانک ایرانی در پرونده شماره ۶۸۱ "به ادعای یک موسسه بانکی ایالات متحده مربوط باشد .... در آن صورت، طرف آن پرونده دیگر می تواند درخواست کند که در مورد ادعای بانک ایرانی به عنوان ادعای متقابل در آن پرونده دیگر تصمیم گرفته شود."

۵ - در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۶۴ [۲۰ دسامبر ۱۹۸۵] بانک مرکزی از طرف خواندگان از دیوان درخواست کرد که بخش هایی از ادعای وی در پرونده شماره ۶۸۱ که [تا آن زمان] فیصله نیافته بود، به عنوان ادعای متقابل در پرونده حاضر مورد رسیدگی قرار گیرد. خواهان در لایحه مورخ ۱۶ اسفندماه ۱۳۶۴ [هفتم مارس ۱۹۸۶] خود به درخواست بانک مرکزی اعتراض و استدلال کرد که دیوان نسبت به ادعای متقابل صلاحیت ندارد.

۶ - دیوان طی دستور مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۶۴ [۱۳ مارس ۱۹۸۶] خود، لایحه خواهان را خاطرنشان و از خواندگان درخواست کرد که چنانچه مایل به ارائه پاسخ باشند، مراتب را تا ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ [دهم مه ۱۹۸۶] ثبت نمایند، و یادآور شد که پس از تاریخ مزبور، دیوان براساس مدارک موجود نزد خود، در مورد قابلیت پذیرش ادعای متقابل تصمیم خواهد گرفت. در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۵ [نهم مه ۱۹۸۶] بانک مرکزی ادعای متقابل خود را ثبت نمود.

۷ - در تاریخ ششم تیرماه ۱۳۶۹ [۲۷ ژوئن ۱۹۹۰] دیوان دستوری صادر و طی آن

خاطرنشان نمود که جریان داوری پرونده حاضر از تابستان سال ۱۹۸۴ در حالت تعلیق بوده و از طرفین درخواست کرد که تا تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۹ [۱۵ اوت ۱۹۹۰] وضعیت فعلی پرونده را به اطلاع دیوان برسانند. دیوان همچنین از طرفین درخواست کرد که حدود و ثغور هر اختلافی را در مورد هرگونه ادعا و ادعای متقابل مطروح در این پرونده که احيانا" بين طرفين باقى است مشخص نمايند. مضافاً از طرفین درخواست شد که معین کنند آیا تعلیق رسیدگی باید ادامه یابد یا خیر و چنانچه پاسخ مثبت باشد، دلایل آن را ذکر نمایند.

۸ - در تاریخ ۲۴ مردادماه ۱۳۶۹ [۱۵ اوت ۱۹۹۰] نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران به دیوان اطلاع داد که مصالحه نامه‌های نهایی توسط نمایندگان طرفین امضا شده و به مجرد پرداخت مبلغ مورد توافق از طریق بانک فدرال رزرو، ادعای باقیمانده در این پرونده فیصله داده خواهد شد. نماینده رابط ایران همچنین اظهار داشت که ادعای متقابل هنوز حل و فصل نشده است. خواهان طی پاسخ خود که در تاریخ ۳۰ مردادماه ۱۳۶۹ [۲۱ اوت ۱۹۹۰] به ثبت رسید، اظهار داشت که "از تاریخی که طرفین مصالحه نامه مورخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ [۲۰ مه ۱۹۸۳] را منعقد نمودند"، هیچ تغییری در وضعیت پرونده حاصل نشده است.

۹ - دیوان طی دستور مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۹ [پنجم نوامبر ۱۹۹۰] خود ضمن اشاره به اظهاریه‌های طرفین، از آنان درخواست کرد که تا تاریخ ۱۲ دی‌ماه ۱۳۶۹ [دوم ژانویه ۱۹۹۱] به دیوان اطلاع دهند که آیا پرداخت توسط بانک فدرال رزرو صورت گرفته و ادعای متقابل مورد بحث حل و فصل شده است یا خیر. دیوان همچنین اعلام کرد که در نظر دارد "راجع به ختم دادرسی ادعا به موجب ماده ۳۴ قواعد خود و در مورد قابلیت پذیرش و جنبه‌های صلاحیتی ادعای متقابل بر اساس مدارک موجود اتخاذ تصمیم نماید."

۱۰ - خواهان در پاسخ مورخ دهم اسفندماه ۱۳۶۹ [اول مارس ۱۹۹۱] خود اظهار داشت که نمی‌تواند تایید نماید که آیا وجه ادعای مربوط به بهره متعلقه بابت دوره ۱۱ الی ۲۸ دیماه ۱۳۵۹ [اول الی ۱۸ ژانویه ۱۹۸۱] مربوط به سهم خواهان در وام سندیکایی پرداخت یا تضمین شده توسط ایران و بهره متعلقه به آن (ادعای شماره ۱۶ دادخواست)، وصول شده است یا خیر. (۱) خواهان همچنین خاطرنشان ساخت که برخی از ادعاهای متقابل مطروح در این پرونده، به عنوان بخشی از درخواست مشترک برای صدور حکم داوری مبتنی بر شرایط مرضی‌الطرفین و مصالحه نامه پرونده شماره ۳۶۴، امریکن اکسپرس کامپنی و بانک ملت و دیگران، حکم شماره ۱-۳۶۴-۳۴۴ مورخ ۳۰ آذرماه ۱۳۶۶ [۲۱ دسامبر ۱۹۸۷]، حل و فصل شده است.

۱۱ - خواندگان در جوابیه‌ای که در تاریخ اول مهرماه ۱۳۷۰ [۲۳ سپتامبر ۱۹۹۱] به ثبت رساندند اظهار نمودند که بانک مرکزی و کمیکال بنک آو نیویورک اصالتاً و از جانب تعدادی بانکهای دیگر، در تاریخ ۲۲ مردادماه ۱۳۶۹ [۱۳ اوت ۱۹۹۰] موافقتنامه‌ای امضا و طی آن ادعای بهره متعلقه بابت دوره ۱۱ الی ۲۸ دیماه ۱۳۵۹ [اول الی ۱۸ ژانویه ۱۹۸۱] را در ارتباط با سهم خواهان در وام سندیکایی (ادعای شماره ۱۶ دادخواست) حل و فصل نموده‌اند.

۱۲ - خواهان طی اظهاریه مورخ ۲۲ مهرماه ۱۳۷۰ [۱۴ اکتبر ۱۹۹۱]، ادعاهای باقیمانده خود را مسترد و ضمناً این استدلال خود را تکرار نمود که ادعای متقابل بانک مرکزی باید به علت عدم صلاحیت رد شود. دیوان با توجه به این موضوع و

---

۱ - خواهان همچنین اظهار داشت که "نمی‌تواند تایید نماید که آیا ادعای [وی] علیه شرکت ایران کارتن و بهره متعلقه بدان، که در جدول ب - ۲ مصالحه نامه آمده، تصفیه شده است یا خیر." دیوان خاطرنشان می‌نماید که این ادعا (ادعای شماره ۵ دادخواست)، به موجب دستور مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۶۳ [۱۳ اوت ۱۹۸۴] دیوان (مذکور در فوق) مختومه گردید.

وفق دستور مورخ ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۶۹ [پنجم نوامبر ۱۹۹۰] خود، اینک باید تعیین نماید که آیا ادعای متقابل در حیطة صلاحیت دیوان قرار دارد یا خیر.

۱۳ - بانک مرکزی سه استدلال به صورت تخییری راجع به صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل اقامه می‌کند. اولاً "بانک مزبور اظهار می‌دارد که دیوان بر مبنای اصل تهاتر نسبت به ادعای متقابل صلاحیت دارد. دیوان متذکر می‌گردد که صرفنظر از حقانیت یا عدم حقانیت این اظهار، به هر تقدیر، تهاتر در مورد پرونده حاضر کاربرد ندارد زیرا دعوی تماماً مسترد یا حل و فصل شده است.

۱۴ - بانک مرکزی همچنین استدلال می‌کند که ادعای متقابل وی در پرونده حاضر مبتنی است بر ماده ۲ (ب) سند تعهدات دولت ایالات متحده آمریکا و دولت جمهوری اسلامی ایران راجع به بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر ("سند تعهدات") و مضافاً اینکه ماده ۲ (ب) یاد شده طرح ادعاهای متقابل را به ادعاهای متقابل ناشی از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعا منحصر نکرده است. لیکن در پرونده شماره الف - ۱۷ دیوان نظر داد که:

در مواردی که این قبیل دعاوی، حسب ادعا بر بند ۲ (ب) سند تعهدات مبتنی باشد، دیوان بر این نظر است که نسبت به آنها فقط احیاناً در مواردی صلاحیت دارد که این قبیل ادعاهای متضمن اختلاف در مورد مبالغ قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ بابت دیون قابل پرداخت از محل آن حساب باشد. از متن بند ۲ (ب) پیداست که شروط پرداخت مقرر در آن منحصرأ ناظر است به تعیین تکلیف وجوه تودییی در آن حساب. بند ۲ (ب) هیچگونه صلاحیتی در مورد "ادعاهای" یک بانک که مبلغی را از بانک دیگر مطالبه می‌کند، قائل نشده، لیکن نسبت به "اختلافاتی" که می‌تواند خواه توسط بانک مرکزی، و خواه توسط موسسه بانکی آمریکایی ذیربط، راجع به "مبلغ قابل پرداخت" از حساب دلاری شماره ۲، به دیوان ارجاع شود، صلاحیت محدودی را مقرر نموده است.

صص ۱۴ - ۱۳ پرونده شماره الف - ۱۷، مذکور در فوق، 8 Iran-U.S. C.T.R. at 197 (با حذف زیرنویس). بانک مرکزی در نامه مورخ نهم مهرماه ۱۳۶۴ [اول اکتبر ۱۹۸۵] خود در پرونده شماره ۶۸۱ اذعان کرد که "هیچیک از ادعاهای [مطروح در دیوان] قابل پرداخت از حساب دلاری شماره ۲ نمی‌باشد." در نتیجه، دیوان طبق مفاد سند تعهدات، نسبت به چنین دعوی‌ای ام از اینکه به صورت ادعا مطرح شده باشد یا به صورت ادعای متقابل، صلاحیت ندارد و اگر صلاحیتی در این مورد موجود باشد، باید آن را در بیانیه حل و فصل دعاوی جستجو نمود.

۱۵ - سومین استدلال بانک مرکزی اینست که ادعای متقابل وی منطبق با شرط بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی است که طبق آن، ادعای متقابل باید "از همان قرارداد، معامله یا رویداد موضوع ادعای خواهان ناشی شود. بانک مرکزی مشخص نمی‌کند که "همان قرارداد، معامله یا رویداد" موضوع ادعا و ادعای متقابل چیست، بلکه صرفاً "استدلال خود را بر "طبیعت و نوع معاملاتی که بانکها با یکدیگر دارند" مبتنی می‌نماید. دیوان در این عبارت مبنایی برای صلاحیت نمی‌یابد و لذا راساً باید تعیین نماید که آیا ادعای متقابل "از همان قرارداد، معامله یا رویداد" موضوع ادعای خواهان ناشی می‌شود، یا خیر.

۱۶ - دیوان ملاحظه می‌نماید که کلیه ادعاهای خواهان در پرونده حاضر از وامها و سایر معاملات بانکی بین خواهان و خواندگان ناشی می‌شود، در حالی که ادعای متقابل بانک مرکزی ناشی از وجوهی است که خواهان در حسابهای مختلفی برای موسسات مختلف ایران نگهداری می‌کرده است. بانک مرکزی هیچگونه ارتباط خاصی را بین معاملاتی که مبنای ادعاهای خواهان را تشکیل می‌دهد و ترتیبات نگهداری حسابها که ادعای متقابل بانک مرکزی بر آنها مبتنی است، مشخص نکرده است.

۱۷ - در نتیجه، دیوان نظر می‌دهد که ادعای متقابل بانک مرکزی "از همان قرارداد، معامله یا رویداد" موضوع ادعای خواهان ناشی نمی‌شود و بنابراین دیوان طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی، نسبت به ادعای متقابل بانک مرکزی صلاحیت رسیدگی ندارد. (۲)

۱۸ - بنابه مراتب پیشگفته،

دیوان به شرح زیر تصمیم می‌گیرد:

الف - ادعای متقابل بانک مرکزی به علت فقد صلاحیت رد می‌شود.

ب - مابقی جریان دآوری پرونده حاضر طبق بند ۲ ماده ۳۴ قواعد دیوان خاتمه می‌یابد.

لايه،

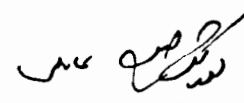
به تاریخ سوم اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ برابر با ۲۳ آوریل ۱۹۹۳



خوزه ماریا رودا

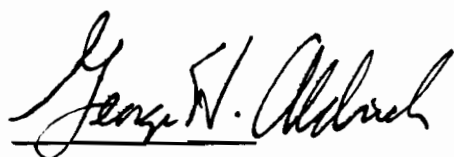
رئیس شعبه دو

به نام خدا



کورش حسین عاملی

موافق با نتیجه



جورج اچ. آلدریچ